

فصلنامه محیط راهبردی

سال چهارم، شماره ۱۳، زمستان ۱۳۹۹

مقاله پژوهشی، صفحه ۱۸۹ تا ۲۱۶

امنیت ملی ج.ا.ایران در فرآیند تحولات ژئوپلیتیکی غرب آسیا (استراتژی رشد و توسعه پایدار، مبنای دفاع و امنیت منطقه ای ایران)

نبی الله رشنو^۱

پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۸/۲۹

دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۰۷/۱۴

چکیده

چشم انداز خط سیر تحولات جاری در منطقه پیرامونی ایران، بیانگر شکل گیری تدریجی نوعی تظاهرات سیاسی - امنیتی با ایجاد یک فضای پر تنش و تهدیدزا علیه منافع ملی و منطقه ای جمهوری اسلامی ایران است که عمدتاً هم با هدایت و محوریت عربستان سعودی در جریان می باشد. در این راستا، فضای رقابت ژئوپلیتیک عربستان سعودی با جمهوری اسلامی ایران بگونه ای است که تلاشهای تنش زای این کشور حتی ممکن است با انجام برخی از تظاهرات و آمادگیهای نظامی، منجر به سطحی از درگیریهای امنیتی - نظامی در بین دو کشور گردد. درچنین شرایطی، حفظ و تقویت امنیت پایدار در جمهوری اسلامی ایران عملاً نیازمند تدوین داکترین جامع امنیتی متناسب با ژنومهای امنیت منطقه ای، درک سیاستهای جاری بین المللی، استفاده حداکثری از مزیتهای نسبی و پایدار موقعیت باز ژئوپلیتیک با ایفای نقشهای متناسب در جهت توسعه متوازن اقتصادی، سیاسی و فرهنگی کشور و بویژه ترسیم نقشه راه سیاستهای بلند مدت برای تحقق امنیت منطقه ای بر محور توسعه پایدار ملی و استفاده از آن بعنوان سپری فراگیر در شیوه های نوین دفاع غیر عامل، می باشد. این مقاله به دنبال تحلیل و تبیین الزامات رشد و توسعه پایدار بعنوان موثرترین مولفه دفاع غیر عامل در موضوع امنیت منطقه ای و نیز بررسی تاثیرات گسترده آن بر فرآیندهای تحقق توسعه پایدار ملی و منطقه ای جمهوری اسلامی ایران در صحنه های رقابتی غرب آسیا، می باشد.

کلیدواژه‌ها: امنیت، ژنومهای امنیت منطقه ای، داکترین امنیتی، سیاست و فضا، توسعه پایدار.

۱. مقدمه

برای کشورهای برخوردار از مولفه های فراگیر و موثر در امنیت بین المللی و بویژه منطقه ای، مطمئن ترین نقشه راه در جهت ارتقاء جایگاه بین المللی خود و نیز جلب اعتماد بازیگران تاثیر گذار بر عرصه های نظام بین الملل، عمدتاً با تمسک به تأمین و تعریف منافع و یا تهدیدات امنیتی متقابل آن هم از طریق درهم تنیدگی نیازها و نیز بر بستر مؤلفه ها و مبانی ژئوپلیتیک و درک ظرفیتهای محیطی میسر است.

براین اساس، از آنجایی که اثرگذاری مؤلفه های امنیت و قدرت ملی در سیاست خارجی مستلزم هماهنگی میان جنبه های نرم افزاری با دیپلماسی و روابط بین المللی است، عدم توجه عملی به لزوم تناسب میان نقشها و جایگاه ژئوپلیتیک ایران در ادوار تحولات بین المللی، سبب شده تا این کشور همواره ضمن فقدان جایگاه متناسب در صف بندی های نظام بین الملل، با رشد روزافزون هزینه های گوناگون در ابعاد داخلی و خارجی مواجه گردد.

حضور فعال و راهبردی ایران در مسائل منطقه ای غرب آسیا و تلاش این کشور بر ایجاد و تثبیت امنیت منطقه ای، بخصوص در تحولات جاری ژئوپلیتیکی، ضمن اینکه تثبیت نقش ها و سطوح روابط در ابعاد سیاسی-امنیتی و اقتصادی ایران در سطح منطقه و ارتقاء اهمیت استراتژیک این کشور در صحنه های نظام بین الملل را به ارمغان می آورد. بطور طبیعی و با توجه به رقابت فرساینده ای که وهابیت سعودی در سطح منطقه ایجاد نموده است، زمینه های تحریک و گسترش تهدیدات سیاسی-امنیتی بیش از پیش برخی از کشورهای منطقه با محوریت و هدایت عربستان سعودی را علیه ایران تقویت می کند. از این رو لزوم توجه موثر ایران به ایجاد و پایداری امنیت در سطح منطقه و نیز توسعه همگراییهای منطقه ای در سیاست و روابط خارجی با تلاش بر جلب اجماع کشورهای منطقه درخصوص رشد و توسعه مشارکتهای منطقه ای و تأکید بر ممانعت از حضور و دخالت نظامی قدرتهای فرامنطقه ای در معادلات درونی منطقه، مسلماً ضمن کمک متقابل به حفظ و تقویت پایداری امنیت ملی و بهره مند شدن کشور از تعادل استراتژیکی در روابط با قدرت های بین المللی، بستر مطلوبی را با رویکردهای مختلف ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی در جهت گیری های سیاست خارجی برای ایران به ارمغان می آورد.

۲. اهمیت، اهداف، سؤال و فرضیه پژوهش

از آنجایی که رابطه بین سیاست و فضا یک رابطه دوجانبه و پویاست، پیگیری هر سیاستی تظاهرات فضایی خاص خود را داشته و هر فضایی نیز سیاستهای خاص خود را طلب می کند. در چنین شرایطی، کشور ایران با واقع شدن در یکی از حساس ترین موقعیت های ژئوپلیتیکی جهان (منطقه غرب آسیا) و بهره مندی آن از کارکردهای گوناگون سایر مناطق ژئوپلیتیکی فعال و پیرامونی، اکنون به یکی از پر جاذبه ترین کانونهای دیپلماسی منطقه ای و جهانی تبدیل شده است. این موقعیت نه تنها باعث تأثیرگذاری ایران بر فرآیندهای جهانی و منطقه ای می شود بلکه با ایجاد اثراتی عمیق بر مجموعه رقابتهای منطقه ای و یا تعاملات راهبردی و امنیتی، ضمن تحریک رقبای منطقه ای سبب می گردد تا کارکردهای گوناگون مناطق پیرامونی آن نیز مسائل داخلی ایران را تحت تأثیر خود قرار دهد.

با توجه به مباحث صدرالذکر و الزامات نوینی که در تعاملات استراتژیک منطقه ای و بین المللی کشورها برای دستیابی بهینه به نیازها و نگرشهای متنوع ایجاد گردیده است، این مقاله به دنبال بررسی و تبیین پیش فرضها برای بکارگیری مزیت های گوناگون امنیتی ایران در تعمیق روابط منطقه ای و حضور موثر کشور در فرآیند تحولات ژئوپلیتیکی در سطح منطقه غرب آسیا است. زیرا با تحقق این مهم و تعمیق تعاملات استراتژیک بخصوص با کشورهای هدف در حوزه جنوب غربی آسیا، ضمن خروج ایران از شکنندگی جاری در فضای حاکم بر سیاست و روابط خارجی کشور، با در هم تنیدگی نیازهای متقابل منطقه ای، زمینه های تحقق اهداف بلند مدت در نقشه راه توسعه ملی و اهداف استراتژی سیاست خارجی برای جمهوری اسلامی ایران نیز فراهم می گردد.

برای دستیابی به این اهداف، سؤال اساسی مقاله این است که، آیا ایران از پتانسیل های لازم و عملی (رشد و توسعه پایدار) برای گسترش اجماع و ایجاد همگراییهای امنیتی در سطح منطقه، برخوردار است؟

در خصوص فرضیه مشخص تحقیق نیز باید گفته شود که، با توجه به نیازهای گسترده ایران به رشد و توسعه پایدار و نیز لزوم حرکت عمومی کشور بسوی تحقق استراتژی قدرت اول منطقه ای، بنابراین دستیابی به ثبات و امنیت فراگیر منطقه ای لازمه اساسی در تحقق این مهم است. لذا بر اساس فرضیه اصلی این پژوهش، به نظر می رسد بلحاظ موقعیت خاص ژئوپلیتیک ایران و لازم و ملزوم بودن امنیت ملی و منطقه ای در رشد و

توسعه فراگیر کشور، ایران باید ضمن تحقق عدالت فضایی در داخل کشور، در ایجاد امنیت و ثبات فراگیر منطقه ای نیز ایفاگر نقشهای ویژه ای باشد.

۳- روش تحقیق

روش تحقیق در این مقاله براساس برداشتهای پژوهشی و مطالعاتی، توصیف و تحلیل از شرایط جاری در تحولات ژئوپلیتیکی غرب آسیا و فرآیند امنیت در ایران می باشد که با توجه به ماهیت موضوع مورد مطالعه، تهیه و تنظیم اطلاعات آن بر مبنای روشهای معمول کتابخانه‌ای بوده است. بر همین اساس، جهت تجزیه و تحلیل یافته‌ها و دستیابی به پاسخ توقعات علمی مورد انتظار در مقاله نیز از مصادیق کتابخانه‌ای استفاده گردیده است.

۴- مبانی نظری تحقیق

الف- امنیت و منافع ملی و منطقه ای؛

امنیت بعنوان پدیده‌ای ویژه در زندگی بشر، مفهوم و ماهیتی چند وجهی دارد که با معانی و ادراکات متعددی مواجه است. (ماندل، ۱۳۷۷: ۵۹). زمانی که امنیت به صورت نکته اصلی و مورد تأکید عموم می‌باشد، مشکلات و مسائلی بروز می‌کند که اهم آنها عبارتند از: • هراس و تأکید بی حاصل بر تهدیدات بالقوه نسبت به امنیت؛ • دفع و انحراف مسیر منابع از ارزش‌های اساسی و رفاه اقتصادی جامعه.

در این راستا بری بوزان تأکید دارد که امنیت ملی از لحاظ مفهومی ضعیف و در تعریف مبهم است ولی از نظر سیاسی، مفهومی قدرتمند است. (Bary, 1994: 10). مفهوم نوین امنیت ملی دایره‌ای به مراتب گسترده‌تر از حدود سیاسی کشورها یافته است و به مرزهای منطقه‌ای و جهانی رسیده است. این است که قرن بیست و یکم را قرن پیوندهای استراتژیک همه‌جانبه سیاسی، اقتصادی، نظامی، امنیتی، فرهنگی، اجتماعی و محیطی می‌دانند. بر این اساس، تأمین امنیت ملی با اقدام و اولویت توجه به مقیاس جهانی میسر است. زیرا در ملاحظات امنیت جهانی، ملاحظات منطقه‌ای و ملی نیز بخش جدایی‌ناپذیر آن است ولی عکس آن با تأکید بر اولویت امنیت ملی بر فراملی غیرقابل تحقق است.

اکنون بحث جهانی شدن و تقسیمات مناطق ژئوپلیتیکی جدید با تحول اساسی در تبیین مفاهیم و قلمروهای جغرافیای سیاسی، بسیاری از معادلات دوران جنگ سرد را برهم زده است، به طوری که جغرافیای امنیت ملی را به سرعت با تغییر و تحول مواجه نموده است. چهره نوین امنیت در جهانی که در حال شکل‌گیری است تا حد زیادی متأثر از منظومه‌های

متحد شده ثروت و قدرت اقتصادی است. زیرا فرمول حاکم بر حدود تعاملات جهانی قرن بیست و یکم بر آن است که امنیت کشورها، مناطق و جهان در ارتباط مستقیم با توسعه اقتصادی آنها خواهد بود. (عزتی، ۱۳۷۶: ۹۳). این است که هرگونه پیوستگی و تناسب میان مؤلفه‌ها و تحولات ژئوپلیتیک با سیاستگذاری‌ها در چیدمان ظرفیت‌های دفاعی-امنیتی نیز باید تابعی از اهداف جامع استراتژی ملی و جهت‌گیری استراتژیک در تعاملات بین‌المللی باشد. لذا امنیت پایدار استعدادی فراملی و ترکیبی همسان از عوامل ژئوپلیتیکی و ابعاد متعدد استراتژیکی است که با غلبه بر تهدیدات سه‌گانه داخلی، مرزی و بدون مرز، بسترهای رشد، توسعه و تأمین همه‌جانبه منافع ملی را فراهم می‌آورد.

امروزه با پیشرفت ارتباطات گوناگون، کشورها نمی‌توانند به تنهایی حیات سیاسی، اقتصادی و نظامی خود را ادامه دهند و تنها برقراری پیوندها و تعهدات و نیز تضمین ثبات، امنیت و توسعه است که حفظ و گسترش قابلیت‌ها را به‌همراه دارد. بر این اساس اگر کشوری با توجه به مبانی ژئوپلیتیکی در جهت تحکیم تعهدات و پیمان‌هایی با کشورهای دور و نزدیک اقدام نماید، زمینه‌ای برای حل بسیاری از مشکلات داخلی و خارجی بوده و اقدامی اطمینان بخش در راستای تأمین بهینه منافع ملی می‌باشد و نیز سببی برای خروج از تنهایی در صورت پیدایش خطر و تهدید در صحنه‌های بین‌المللی است.

ب- تعلقات ژئوپلیتیکی؛

به طور کلی هرگونه مکمل‌های فضایی و جغرافیایی مفروض در ماورای مرزها که به لحاظ ساختاری از تجانس برخوردار بوده و از نظر کارکردی نیز تأمین‌کننده نیازها و کاستی‌های یک کشور باشند، علائق ژئوپلیتیکی را شکل می‌دهند. به عبارتی دیگر، تعلقات ژئوپلیتیکی تشکیل‌دهنده زیربنای علائق و منافع ملی کشورها و ناظر بر مواردی هستند که با تمام یا بخشی از خصیصه‌های طبیعی و انسانی کشور تجانس و همگونی داشته و یا تأمین‌کننده نیازهای کشور در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، تجاری، ارتباطی، فرهنگی، اجتماعی، دینی، علمی، تکنولوژیکی، نظامی، امنیتی، حیثیتی و زیست محیطی هستند و کشور به آنها دلبستگی و علاقه دارد. (حافظ نیا، ۱۳۸۵: ۱۲۰).

۵- یافته های تحقیق

الف- ملاحظات دفاع غیرعامل در توسعه و امنیت ملی ایران

کشور ایران بلحاظ ویژگی های خاص ژئوپلیتیک و واقع شدن در یکی از مناطق بسیار حساس و منحصر بفرد ژئوپلیتیکی، همواره در مسائل درونی و بیرونی از شرایط و نقش آفرینی ویژه ای برخوردار می باشد. خصوصیات ژئوپلیتیک ایران که عمدتاً همگام با شرایط استراتژی ژئوپلیتیک منطقه ای و جهانی بوده و بشدت تحت تاثیر موقعیت حائلی می باشد، بطور طبیعی رابطه ای متقابل و پایدار بین سیاستها، فرصتها، تهدیدات و چگونگی امور اجرایی داخلی و خارجی کشور ایجاد نموده است. تاثیرات این ارتباط چگونه ایست که هر زمان با کم توجهی مواجه گردیده است، نه تنها اثرات منفی و گسترده ای (اعم از داخلی و خارجی) بر فرآیندهای رشد و توسعه ملی داشته است، بلکه فراز و نشیبهای ناشی از آن نیز در گذر زمان عملاً منجر به شکل گیری یکی از پیچیده ترین الگوهای مدیریت سیاسی و فضایی در اداره امور کشور شده است.

بنابراین، بررسی تأثیرات متقابل شرایط ژئوپلیتیک درونی و بیرونی کشور ایران بر بسیاری از الگوهای متعدد سیاست گذاری اعم از هر گونه تصمیم سازی و تصمیم گیری بویژه در عرصه های پایداری ملی و اعمال مدیریت پایدار در چشم انداز آمایش سیاسی، امنیتی و فضایی کشور با اولویت طراحی و اجرای بهینه سیاستهای کلان دفاع غیرعامل، مسئله ای بسیار حیاتی برای دستیابی به امنیت قابل اعتماد و تحقق توسعه پایدار در سطح کشور است. در این شرایط و با توجه به پیشرفتهای شگرف و تحولات گسترده و موثری که در نگرشها و رویکردهای گوناگون راهبردی جمهوری اسلامی ایران ایجاد گردیده است، شناخت دقیق و تخصصی از تأثیرات متقابل ابعاد ژئوپلیتیکی فضای رقابت منطقه ای و فرامنطقه ای و درک ظرافتهای درونی و بیرونی کشور ایران بخصوص در حوزه ایجاد پوششهای متناسب (ارادی، آموزشی، فیزیکی، هوشمند) اکنون از انتظارات اساسی درحوزه های دفاع غیرعامل کشور است.

لذا با توجه به تغییر و تحولات اساسی که جهان در زمینه های کیفیت، ماهیت، سطح، تعدد و تنوع تهدیدات انسانی و طبیعی به خود دیده است، اکنون گستره جغرافیایی ایران و موقعیت منحصر بفرد ژئوپلیتیک، آنرا نیازمند طراحی و تبیین یک سپردفاعی پایدار و متناسب بخصوص در حوزه مسائل قومی - مذهبی با رویکرد ژئوپلیتیکی نموده تا با ایجاد

نوعی مصونیت فکری و کالبدی در مقابل انواع تهدیدات و آسیبهای احتمالی با حداقل هزینه و حداکثر منافع همراه باشد. دستیابی به این مهم مستلزم فهم و درکی جامع و فراگیر از استراتژی ژئوپلیتیک معاصر است که بیانگر درکی بهینه از پیچیدگی تحولات جاری و تنوع مسائل و تهدیدات گوناگون می باشد.

برخی از ملاحظات اساسی برای ایجاد سیستم دفاع غیر عامل در ایران

- توجه و تاکید بر بکارگیری و فراگیری پوشش سایبری در مدیریت مجموعه امور اساسی و منابع و تجهیزات حساس کشور؛
- بستر سازی لازم جهت ایجاد یک سیستم پدافند غیر عامل متناسب و ویژه برای مراکز حساس در پایتخت؛
- ایجاد راهکاری جامع و فراگیر در حوزه پدافند غیر عامل برای منابع زیستی و حیاتی در تمامی مراکز جمعیتی کشور بویژه در شهرهای بزرگ و مورد هدف تهدیدات احتمالی؛
- بررسی و ارائه راهکارهایی غیر مسلحانه برای افزایش بازدارندگی و کاهش آسیب پذیریها؛
- تثبیت و ارتقاء پایداری ملی با هدف مقابله عقلانی و هوشمندانه با تهدیدات گوناگون بر پایه رویکرد مدیریت بحران ؛
- تبیین جامع اصول و ضوابط پدافند غیر عامل از منظر مسائل ژئوپلیتیکی؛
- تعیین اولویتهای پدافندی کشور بر مبنای اهداف، مراکز، اماکن و تأسیسات بلحاظ اهمیت حیاتی، حساس و مهم؛
- تشریح هزینه- فایده در انجام طرح ها و تدابیر پدافند غیر عامل با رویکرد ژئوپلیتیکی؛
- بررسی تاثیرات استراتژیکی سلاح های غیر متعارف نظیر هسته ای، میکروبی و شیمیایی؛
- توجه اساسی به تامین امنیت مسیرها و شبکه های انتقال انرژی کشور در آنها و خشکیها؛

- لزوم توجه به طراحی عملکرد مستقل بخشها و شبکه های تامین انرژی و سایر نیازهای حیاتی شهروندان در فضاها و سکونتگاهی با هدف ممانعت از گسترش نابسامانیها در تهدیدات احتمالی؛
- تاکید بر ضرورت دارا بودن پیوست تامین امنیت در اجرای پروژه های عمرانی؛

ب- تعارضات استراتژیک در روابط منطقه ای جمهوری اسلامی ایران

براساس اصول کلی حاکم بر نظام بین الملل، نگرش واقع بینانه در توسعه روابط خارجی و گسترش تعاملات بین المللی همانند پکیج و بسته ای کاملاً هم افزا بوده که بخصوص در روابط با همسایگان و در جهت کاهش بسیاری از هزینه های داخلی و خارجی بسیار تاثیرگذار است. در سال های اخیر نتایج دیدگاه های غالب در سیاست خارجی ایران که اساساً بر منطقه گرایی در خاورمیانه عربی متمرکز بوده است، به دلیل وجود ساخت متفاوت قدرت و سیاست و همچنین تفاوت های ساختاری فرهنگی - اجتماعی و تاریخی میان ایران و کشورهای این حوزه، دستیابی به حداقل انتظارات ترسیم شده را مشکل کرده و یا حتی در بسیاری از موارد عملاً فاقد دستاوردهای مطلوب بوده است. شواهد و قرائن گوناگون اعم از مرئی و نامرئی در ابعاد متعدد روابط میان ایران با عموم کشورهای منطقه ضمن اینکه یک الزام اساسی برای توسعه روابط متقابل و گسترش حوزه نفوذ در محیط پیرامونی است، اما تأکیدات گاه و بی گاه دهه های اخیر بر اصرار و انحصار خاص روابط به سمت منطقه غرب آسیا یا خاورمیانه و به خصوص با تمرکز ویژه بر حوزه عربی، حاکی از آن است که به لحاظ عدم همترازی در ابعاد استراتژیکی میان ایران و این حوزه، تقویت یکجانبه این نگرش در روابط منطقه ای، منجر به نوعی انفعال در سیاست خارجی ایران گردیده و متعاقباً جایگاه منطقه ای و جهانی این کشور را در بلند مدت تضعیف نموده است. فرآیند و سیر تحول در نظام سیاسی منطقه خاورمیانه بعد از حوادث ۱۱ سپتامبر و بخصوص با تحولات نشأت گرفته بعد از بحران سال ۲۰۰۳ عراق و نیز گسترش موج قیام های مردمی سال ۲۰۱۱ به بعد به نحوی است که تدریجاً در حال انتقال به یک نظم جدید سیاسی - امنیتی است که در آن تمامی بازیگران موثر منطقه ای و حتی کشورهای *Gait way* هم در حال رقابت برای تثبیت "نقش های جدید" خود در منطقه هستند. در این راستا ایران نیز به عنوان قدرتی پیشینه دار و به ویژه با برخورداری از ظرفیت های استراتژیکی در عرصه های منطقه ای و جهانی برای تثبیت و ارتقاء نقش بین المللی خود

ضمن نیاز به تقویت همکاری و گسترش تبادلات در سطوح منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، به تعامل با ملت‌ها و ایجاد ائتلاف‌های جدید در سطح دولت‌ها نیز احتیاج دارد. به عبارت دیگر، حضور فعال ایران در مسائل منطقه‌ای و تحقق بهینه این امر، عملاً مستلزم هماهنگی‌های فرامنطقه‌ای بوده تا ضمن تثبیت نقش‌ها و سطوح روابط در ابعاد سیاسی - امنیتی و اقتصادی ایران در منطقه، موجب ارتقاء اهمیت استراتژیک این کشور در صحنه‌های نظام بین‌الملل گردد. از این رو توجه موثر به منطقه‌گرایی در سیاست خارجی ایران، ضمن کمک به پایداری و برخورداری این کشور از تعادل استراتژیکی با قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، بستر مطلوبی را با رویکردهای مختلف ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی در جهت گیری‌های سیاست خارجی و حرکت بسوی ایجاد مهندسی امنیت فراگیر در نظام منطقه‌ای و گسترش تعاملات نوین منطقه‌ای توسط ایران را فراهم می‌کند. توجه همزمان به این رویکردها در سیاست خارجی زمینه‌ای اساسی در تأمین بهینه منافع و امنیت ملی کشور ایران است. با این همه طی دهه‌های گذشته عدم تمرکز بر لزوم بازبینی استراتژیک در سیاست‌های منطقه‌گرایی و انفعال گسترده حوزه سیاست خارجی در منطقه‌خاورمیانه و به خصوص در سطح بلوک عربی آن، زیان‌های جبران ناپذیری را بر امنیت و منافع ملی ایران با از دست دادن فرصت‌های اقتصادی و سیاسی - امنیتی در منطقه و ظهور چالش‌های جدید امنیتی از ناحیه قدرت‌های بزرگ خارجی به دنبال داشته است. البته در بخشی از این سیاست‌های منطقه‌گرایی با گسترش تعاملات در قالب اتحادها و ائتلاف‌های سیاسی - امنیتی، فرهنگی و اقتصادی که عمدتاً تحت تأثیر نقش و نفوذ اقتصادی و سیاسی - امنیتی ایران در منطقه است، از خطرات احتمالی امنیتی در آینده نیز پیشگیری کرده و نهایتاً قدرت بازگیری ایران را در سطوح مختلف روابط با قدرت‌های بزرگ و به خصوص با ایالات متحده آمریکا افزایش داده است. بنابراین در توسعه روابط منطقه‌ای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، قبل از هر اقدام عملیاتی ضرورت دارد که برای تبیین اولویت‌ها و نگرش‌های منطقه‌گرایی به شناسایی معیارها و مبانی اساسی موثر در ایجاد یک نظام منطقه‌ای فراگیر بخصوص پایداری امنیت منطقه‌ای، توجه ویژه‌ای صورت گیرد.

با توجه به مشخصات ذاتی و مختصات ویژه حوزه خلیج فارس، مهم‌ترین معیار در ایجاد زمینه‌های اولیه برای حرکت به سوی هماهنگی و همگرایی منطقه‌ای، ایجاد باور عمومی به وجود تهدیدات مشترک است. در این حوزه هرگونه مقابله با تهدید مشترک فقط از طریق

دستیابی به ساز و کارهای امنیت جمعی میسر بوده که تحقق آن نیز سبب تقویت روابط منطقه‌ای می‌گردد. با این همه، چشم‌انداز پایداری در سیاست‌ها و حفظ و گسترش تعاملات منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران در سطح خاور میانه و به‌خصوص حوزه خلیج فارس، مستلزم مجموعه‌ای از پیوندهای عمیق اقتصادی و تنظیم سیاست‌های همگرایی و همکاری متقابل با محوریت ایجاد امنیت پایدار و رونق دیپلماسی اقتصادی است.

اما هرگونه پیوند همکاری راهبردی در حوزه خلیج فارس و به‌خصوص با کشورهای حوزه عرب‌زبان مستلزم درک واقعیت‌های فضای جاری در سطح منطقه است، که از آن جمله باید به سه محور ناسیونالیسم عربی (ساختار قبیله‌گرایی)، نفت و تحولات آن، و نیز حاکمیت مبتنی بر نظام فکری لیبرال-سکولار، توجه ویژه صورت گیرد. لذا جمهوری اسلامی ایران نیز در استراتژی منطقه‌گرایی با محوریت حرکت به سمت ایجاد همگرایی‌های امنیتی از طریق تعامل با عربستان سعودی و مراقبت دیپلماتیک در عدم مذاکره با جریان‌های متحد و پرهیز از نشست‌های جمعی با اعراب، موارد صدرالذکر را به‌طور ویژه مورد توجه قرار دهد.

- بطور کلی می‌توان گفت که محیط پیرامونی ایران بویژه در منطقه غرب آسیا در حالت کلی از شاخصه‌های ویژه‌ای برخوردار است که اهم آنها عبارتند از:
- ۱- ناهمگونی و واگرایی در میان کشورهای منطقه به‌طور نسبی مشهود است.
 - ۲- اختلافات ارضی و مرزی در میان بسیاری از کشورهای منطقه وجود دارد.
 - ۳- تمایلات تجزیه طلبانه و اختلافات قومی، زبانی، مذهبی و فرهنگی، مشاهده می‌شود.
 - ۴- ساختارهای حکومتی و نظام سیاسی بسیاری از کشورهای منطقه، عمدتاً اقتدار محور و در جهت تامین منافع قدرتهای فرامنطقه‌ای می‌باشند.
 - ۵- فرآیند دموکراسی در این کشورها، ضعیف است.
 - ۶- امنیت در این کشورها به‌طور محسوسی به امنیت دیگری گره خورده است.
 - ۷- در پروسه تامین امنیت، نگاه به بیرون وجود دارد و عمدتاً کشورها به دنبال یک نیروی خارجی تامین‌کننده امنیت خود هستند.
 - ۸- پیمان‌های دو یا چندجانبه نظامی و دفاع مشترک در میان اکثر این کشورها، شاکله مناسبات سیاسی و امنیتی آنها است.

۹- مجموعه‌های سیاسی - اقتصادی و دفاعی - امنیتی منطقه از حساسیتهای ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک مبسوطی برخوردارند.

۱۰- این مجموعه‌ها هریک به نحوی درگیر منازعات متعدد داخلی و یا خارجی هستند.

۱۱- به لحاظ ساختاری، هریک از حوزه‌ها و مناطقی پیرامونی ایران از یک یا دو قدرت محوری تشکیل شده و بقیه اعضا پیرامون آن قرار دارند.

ملاحظه خصوصیات فوق‌الذکر حاکی از آن است که ج.ا.ا در یک محیط سیاسی-امنیتی کاملاً پیچیده قرار گرفته است، بگونه‌ای که در هریک از حوزه‌ها و مناطقی پیرامونی و حتی با هر یک از کشورهای عضو در این مجموعه‌ها، به نوعی از مناسبات و تعاملات نیازمند است. ضمناً نباید فراموش کرد که ج.ا.ا در منطقه‌ای واقع شده است که از حساسیت و آسیب‌پذیری ویژه‌ای برخوردار می‌باشد. این نکته بیانگر آن است که ایران باید با تأکید بر مبانی و مزیت‌های ژئوپلیتیکی به سمت و سوی ایجاد پیوندهای راهبردی و دیپلماتیک با کشورهای منطقه حرکت نماید.

در منطقه غرب آسیا و بویژه بلحاظ اولویتهای روابط منطقه ایران با اعراب، شایان توجه است که عرب‌ها و ایرانیان تجربه‌ی دوران کوتاهی از همکاری را در دهه (۱۹۷۰م)، پس از خروج بریتانیا از منطقه و پیش از ورود امریکاییان و اعمال تسلط نظامی بر منطقه دارند. شناخت این واقعیت نیز بسیار مهم است که آنها بدین دلیل در ایجاد موازنه و همکاری‌های منطقه‌ای در دهه ۷۰ پیروز شدند که هر دو گروه در آن هنگام، از دوستی و حسن نیت ایالات متحده برخوردار بودند، در حالی که در آن زمان، این کشور از دکترین نیکسون در زمینه عدم درگیری در کشمکش‌های منطقه‌ای و واگذاری مسأله دفاع از امنیت در مناطق گوناگون جهان به دوستان قدرتمند منطقه‌ای پیروی می‌کرد. آنچه به همین اندازه اهمیت دارد، توجه به این حقیقت است که در تحولات ژئوپلیتیکی شکل‌گیرنده منطقه‌ای کنونی نیز، منافع مشروع باختر زمین در ادامه صلح‌آمیز صدور نفت و گاز از خلیج فارس، باید به رسمیت شناخته شود.

با این همه، بلحاظ ارتباط تنگاتنگ اقتصاد با سیاست؛ زندگی اقتصادی در ایران وابسته به امنیت منطقه غرب آسیا و بخصوص در خلیج فارس است. عدم امنیت در خلیج فارس یکی از مهم‌ترین عناصر منافع حیاتی ایران، یعنی تأمین معیشت ضروری مردم را به چالش فرا می‌خواند. در واقع وجود تأسیسات حیاتی نفت و گاز ایران در خلیج فارس، لزوم توجه

همه جانبه ایران به این منطقه را تحت الشعاع خود قرار می‌دهد. سایر دولت‌های حوزه خلیج فارس مانند عربستان و عراق، در یک تحلیل دوراندیشانه و به‌عنوان دو کشور برتر منطقه پس از ایران، «بخش در خور توجهی از نفت صادراتی خود را از راه لوله به کرانه‌هایی غیر از کرانه‌های خلیج فارس منتقل کرده و بخش بزرگی از واردات خود را از کرانه‌هایی جز کرانه‌های خلیج فارس دریافت می‌کنند، (در حالی که) ایران برای صدور همه نفت صادراتی و دیگر اقلام نفتی و غیرنفتی و نیز ورود بخش بزرگی از واردات خود به خلیج فارس وابستگی حیاتی دارد. با این حال هنگامی که واقعیت‌های بی‌چون و چرای جغرافیایی در نظر گرفته شوند، تردیدی نمی‌ماند که امنیت خلیج فارس و تلاش برای حفظ، جریان و تقویت آن، در وهله نخست یک مسأله عمدتاً ایرانی است.

از دیدگاه امنیتی نیز متأسفانه علی‌رغم اهمیت امنیتی منطقه خلیج فارس برای ایران، این کشور به انحاء مختلف از ترتیبات امنیتی منطقه کنار گذاشته شده است. واقعیت این است که خلیج فارس یک گذرگاه آبی است که بخش شمالی آن متعلق به ایران است. این را جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک منطقه بیان می‌کند. ایران تنها کشوریست که بر مواضع اساسی و استراتژیک تنگه هرمز مسلط است. ایران در خلیج فارس بزرگترین سواحل و طولانی‌ترین کرانه‌ها را دارد، بیش از نیمی از خلیج فارس نیز در اختیار کشور ایران است. از این رو، هرگونه تشکل و گردهمایی در خلیج فارس، بدون حضور ایران، بی‌معنی است.

به هر حال، آنچه مسلم است این است که تاکنون اعراب خلیج فارس چه در عصر پهلوی دوم که روابط ویژه با غرب داشت و طرفدار وضع موجود بود، و چه پس از انقلاب، حاضر و مایل نبودند که با ایران یک گروه، سازمان و یا شورای همکاری تشکیل دهند. تفکر حاکم بر حاکمان کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس این است که اگر ایران تجمعی با حضور اعراب تشکیل دهد، کشورهای بی‌چون عربستان، نقش و اولویت خود را از دست خواهند داد. با این وجود و برای یک شروع مجدد، ترتیبات امنیتی دو جانبه، می‌تواند تشنج‌زدا باشد و حاکمیت ملی ایران و روندهای توسعه‌ای جاری در کشور را کمتر با چالش‌های متعدد و مستمر از سوی مخالفین منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای مواجه و در معرض خطر قرار دهد.

ج- علائق ژئوپلیتیکی و سطوح مداخلات در منطقه پیرامون ایران؛

سازمان‌ها یا دولت‌ها ممکن است در درگیری‌های میان کشورها یا حتی درون کشورها مداخله نمایند، اما بهانه جویی برای این دخالت‌ها با استفاده از قوانین بین‌المللی کارچندان ساده‌ای نمی‌باشد. (۳۲۶. Bradan. 2005) در دو قرن اخیر ایجاد بهانه برای حضور و مداخله در منازعات داخلی و یا خارجی، با استفاده از مداخله و حمله به بهانه حفظ امنیت منطقه‌ای و یا جهانی، آسان‌تر شده است. نمونه‌های متعدد و معاصر این طرز مداخله فراوانند که از آن جمله می‌توان به موارد فوق اشاره نمود؛ اشغال افغانستان و عراق توسط آمریکا با همکاری و هماهنگی متحدین آن در سالهای ۲۰۰۱ و ۲۰۰۳، حملات پراکنده اسرائیل به لبنان و نوار غزه بخصوص جنگهای سال ۲۰۰۶ با حزب الله لبنان و سال ۲۰۰۸، ۲۰۱۲ و ۲۰۱۵ در باریکه غزه که با گروههای مقاومت فلسطینی و به بهانه امنیت اسرائیل صورت گرفت، حملات گسترده قدرتهای غربی در اشغال کشور لیبی (۲۰۱۱) زیرچتر ناتو با بهانه دفاع از مردم این کشور که در جریان سقوط حاکمیت دیکتاتوری قزافی صورت گرفت، حضور آشکار و پنهان بسیاری از کشورهای منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای در بحران سوریه و عراق و بخصوص تجهیز و حمایت‌های گسترده آنان از جریانهای تروریستی (داعش، القاعده، النصره و ...) و بخصوص حملات گسترده و ویرانگر عربستان سعودی با همراهی نهادها و قدرتهای بین‌المللی و برخی از کشورهای عربی به کشور یمن که منجر به کشتار مردم بی‌دفاع و نابودی بسیاری از زیرساختهای یمن در طول جنگ تحمیلی گردید. اینها مصادیقی سیاسی و استراتژیکی هستند که نشانه سست شدن قوانین بین‌المللی در ممانعت از مداخله طرف ثالث برای حضور علنی در منازعات سطوح مختلف بین‌المللی است.

براین اساس درچنین شرایطی و بویژه برای تبیین دقیقتر علائق ژئوپلیتیکی و سطوح مداخلات جریانها و قدرتهای ذینفع در بی‌ثباتیهای امنیتی و تحولات ژئوپلیتیکی غرب آسیا، می‌توان از قواعد سطح بندی فضاها بشرح ذیل استفاده نمود:

۱- سطح محلی یا مرکز بحران: در مرکز این تحولات ضمن مساله ریشه دار و تاریخی منازعه عربی- اسرائیلی که در دهه های اخیر همواره موضوع فلسطین را همانند استخوان لای زخم در درون خود بهمراه داشته است، کشورهای درگیر در بحران تروریسم و تحولات سیاسی علاوه بر لیبی، یمن، سوریه و عراق، چشم انداز کلی اوضاع در این حوزه

به نحوی است که دامنه بحران و تسری آن می تواند سایر کشورهای اسلامی و عربی را هم باشد و ضعفهای متفاوتی دربرگیرد.

۲- سطح منطقه‌ای: عمدتاً شامل ایران، ترکیه، مصر و عربستان سعودی است که ضمن اشتراکات ایدئولوژیکی از تأثیرات متقابل و متعدد همسایگی و همجواری با این حوزه نیز برخوردار می باشند. در این راستا همانند آنچه که پیشتر در خصوص سیاستهای منطقه ای ایران بحث شد، اکنون موضع منطقه ای عربستان سعودی نیز بشرح ذیل مطرح می گردد:

با توجه به جایگاه اقتصادی و مذهبی که عربستان سعودی در جهان عرب دارد، در شرایط کنونی و بویژه با فروپاشی حاکمیت صدام حسین در عراق و حسنی مبارک در مصر، قدرتهای بین المللی در ترسیم تعاملات استراتژیک بادل عربی از عربستان به عنوان مرکز ثقلی برای تصمیم گیری و جهت دهی به مواضع عربی می نگرند. البته هرچند که نقش موثر مصر در تعاملات بین المللی حوزه عربی عملاً پس از توافق نامه کمپ دیوید و کاهش روابط کشورهای عربی با آن تدریجاً بسیار کم رنگ شد، لیکن با تحولات اخیر و تسلط مجدد نظامیهای مورد حمایت قدرتهای فرامنطقه ای و عربستان بر مصر، این کشور با حضور مجدد در حوزه های قدرت و نیز چشم انداز گسترش نفوذ آن در سطح منطقه، اکنون بسترهای لازم جهت گرایش اعراب به سمت مصر فراهم گردیده است. علاوه بر این با سقوط رژیم صدام حسین در عراق که منجر به کاهش جدی نقش عراق در تأثیرگذاری بر معادله های عربی و اقتصادی شده است. استراتژی کنونی سعودی به گونه ای تعریف شده است که این کشور را به مرکز ثقل جهان عرب تبدیل نماید و رهبری مسلمانان سنی هم در اختیار عربستان سعودی باشد. از سوی دیگر با ترویج سیاست ایران هراسی که عمدتاً توسط وهابیت سعودی در منطقه صورت می گیرد، ترس دول وابسته عربی از ایران و پیامدهای تلاشهای عربستان برای یافتن یک نقش قدرتمند منطقه ای که به موازات نقش اسرائیل و ترکیه پیگیری می شود، سبب شده که این کشور و سایر کشورهای عربی ائتلاف آن، با تلاش بر کاهش قیمت جهانی نفت و نیز افزایش قراردادهای تسلیحاتی خود با قدرتهای بین المللی و ورود به ایده ها و طرح های منطقه ای آنان، شدیداً در مسیر تضعیف جایگاه و محدود کردن نقش ایران حرکت کنند.

۳- سطح فرامنطقه ای و بین المللی: کشورها و قدرتهایی که مستقیماً بر سطوح فرامنطقه ای و بین المللی تحولات منطقه غرب آسیا تأثیرگذار هستند: عبارت از آمریکا، چین، روسیه، فرانسه،

آلمان، انگلستان، ایتالیا و سایر کشورهای عضو اتحادیه اروپامی باشند. این منطقه با ابعاد متعدد استراتژیکی همواره در نگرشها و سیاست جهانی قدرتها میدان مناسبی برای دگرگونی و صورتبندی جدید در نظام روابط بین الملل بوده است. در شرایط کنونی نظام جهانی هم صرف نظر از این که چه نوع نظام بین المللی در سیاست جهانی در حال شکل گیری است، تردیدی وجود ندارد که چشم انداز تغییرات سیاسی کنونی در این منطقه و سیر تحولات آن یک نگرانی اساسی در میان قدرتهای ذینفوذ در این حوزه می باشد. اصولاً بهانه و موضوع مورد اعای نگرانی جهانی در غرب آسیا نسبت به گسترش جنگ افزارها می باشد. اینجا یک فضای سیاسی - رقابتی است که در آن رقابتها شدید و فاصلهها کوتاه و دشمنها با هم همسایه هستند. این جا عرصه ایی است که در آن احتمال استفاده از جنگ افزارهای انهدام جمعی در جنگ و درگیریهای نظامی بسیار زیاد است و پیش بینی هرگونه تغییر در کوتاه مدت در جهت تحول در این وضعیت نگران کننده، بسیار دشوار است (Camp. 2004. ۱۴). بررسی علائق ژئوپلیتیکی قدرتهای فرامنطقه ای و بین المللی در خاورمیانه مستلزم توجه به اولویت فضاها و عملیاتی و حوزه های تفکیکی در تبیین منافع گوناگون و استراتژیکی قدرتها می باشد. بنابراین هرچند که دو کشور چین و روسیه در عرصه های متعدد بین المللی از حوزه نفوذ گسترده ای برخوردار می باشند، اما معادله هزینه - فایده آنان را وادار نموده است تا در صحنه شطرنج سیاست جهانی با سایر قدرتها تعاملات متناسب را رعایت نمایند. لذا چگونگی حضور و ارتباط دو کشور چین و روسیه با تحولات غرب آسیا نیز عموماً در این فضای تعاملی تبیین می گردد. البته هرچند که روسیه در تحولات سوریه با اقدام به اعزام نیروی نظامی و انجام عملیات متعدد زمینی و هوایی سبب دگرگونی گسترده ای در معادلات میدانی سوریه گردید، لیکن از منظر روسها مسئله اطمینان به حفظ حوزه نفوذ در سوریه و نیز رعایت سطحی از تعاملات بین المللی که بیانگر تامین منافع و تقویت پرستیژ جهانی آنان باشد، اصلی ترین اولویت استراتژیک در سیاست جهانی روسها می باشد. حال آنکه این فرآیند در نگرشهای استراتژیکی قدرتهای غربی از اولویتهای بیشتری برخوردار بوده و تحولات این مناطق نیز همواره و به دلایل گوناگون مورد رصد ویژه آنان می باشد.

در همین راستا و برای بیان یک مصداق در مجموعه قدرتهای غربی، ایالات متحده آمریکا برای حضور مستمر در این منطقه، تحقق اهداف استراتژیک خود را در سه گزینۀ کلان ذیل مورد توجه قرار داده است:

- سیاست تعیین شده پس از پایان جنگ سرد جهت جلوگیری از پدیدار شدن قدرتی مشابه آنچه که اتحاد جماهیر شوروی سابق بود؛

- احیاء و استمرار سیاستی که در وهله نخست تضعیف اتحاد جماهیری شوروی سابق را هدف گرفته بود و اکنون باید نسبت به سایر رقبای قدرتمند نیز اعمال گردد؛

- مبارزه کلی و هدفمند با تروریسم، کشورهایی که از آن پشتیبانی می کنند و همچنین آنهایی که تصمیم به در اختیار گرفتن سلاح های کشتار جمعی دارند و یا قبلاً به آن دست یافته اند. (Dulagrs, 2002, ۶).

۴- سطح سازه ای یا سازمان های بین المللی منطقه ای و جهانی: نظیر سازمان ملل، شورای امنیت، پیمان ناتو، اتحادیه اروپا، پیمان شانگهای، اتحادیه آفریقا، سازمان کشورهای اسلامی، جنبش عدم تعهد، اتحادیه عرب، شورای همکاری خلیج فارس و گرایش های ایدئولوژیکی فرامرزی مانند: اسلام (تسنن و تشیع)، مسیحیت، یهودیت و قومیت های باشند.

د- اولوئتهای منطقه ای عربستان در رقابت با جمهوری اسلامی ایران:

عمدتاً درگیرها و منازعات گوناگون در منطقه غرب آسیا بیانگر سابقه و تلاشی آشکار بر رقابت درونی و یا نیابتی در حوزه های درگیری بوده که با هدف دستیابی به دگرگونیهای هدفمند در جهت دخالت نظامی بیگانگان بوده و همواره منطقه غرب آسیا را به میدانی برای آزمایش دستاوردهای جدید نظامی و بکارگیری تاکتیکهای سیاسی و استراتژیهای منطقه ای قدرتهای بین المللی تبدیل نموده است.

در شرایط کنونی با اوجگیری اقدامات تروریستی در سطح منطقه و بخصوص گسترش اضطراب و هراس واهی که در افکار حاکمان موروثی برخی از کشورهای منطقه ایجاد گردیده است، ضمن شتاب درگیریهای نیابتی، سبب ایجاد بستر مناسب جهت خریدهای نجومی تسلیحات گوناگون نظامی از کشورهای تولیدکننده تجهیزات و تسلیحات نظامی گردیده و منطقه را عملاً آستان تظاهرات امنیتی و جنگی جدیدی نموده است.

لذا با توجه به روند جاری رقابتهای سیاسی - امنیتی که بخصوص عربستان سعودی بر علیه جمهوری اسلامی ایران به نمایش گذاشته است، به نظر می رسد که منطقه در راستای همان اهداف تامین منافع قدرتهای بیگانه و بویژه تضعیف شدید ثبات، امنیت و گسترش ناپایداری فراگیر در وحدت منطقه ای حرکت می کند. این فرآیند بهترین وضعیت برای تحقق اهداف منطقه ای اسرائیل بوده و حتی می توان پیش بینی نمود که سبب کسب مشروعیت منطقه ای و فراگیر حاکمیت رژیم صهیونیستی بخصوص از سوی برخی از کشورهای عرب منطقه خواهد شد.

لذا رقابت های منطقه ای ایران و عربستان هر روز رنگ و بوی جدیدی به خود می گیرد و تنش های میان این دو بازیگر منطقه غرب آسیا با رفتارهای تنش زای مقامات عربستانی شرایط بحرانی تری پیدا می کند. در این میان، هرچند به زعم بسیاری از اندیشمندان و افکار عمومی اختلاف و رقابت های ایران و عربستان ماهیتی ایدئولوژیک و سیاسی دارند و با برخی اصلاح رفتارها قابل حل است، لیکن واقعیت آن است که این اختلافات بیش از آنکه ماهیتی ایدئولوژیک داشته باشند، ماهیتی ژئوپلیتیک و پایدار دارند. پایگاه خبری تحلیلی فرانسوی «ایران کارتو» با انتشار نقشه ای، فضاهای جغرافیایی رقابت و درگیری میان ایران و عربستان در خاورمیانه را به شرح زیر نمایش داده است. بررسی دقیق این فضاهای جغرافیایی، نشان از آن دارد که وهابیون آل سعود در فضای پیرامونی ایران با تدابیر گسترده ای، تنش آفرینی با ایران را در دستور کار استراتژی منطقه ای خود قرار داده اند.

۱- فضای رقابتی شرق دریای مدیترانه

یکی از موقعیت های جغرافیایی که همواره میان ایران و عربستان بر سر آن اختلاف نظر و رقابت وجود داشته، منطقه شرق دریای مدیترانه است؛ فضایی که منطبق با کشور لبنان و بخش هایی از کشور سوریه است. در این منطقه، از آنجا که جمعیت چشمگیری از شیعیان زندگی می کنند و در تاریخ ارتباطات فرهنگی، مذهبی و تجاری فراوانی با ایران داشته اند، امروزه نیز این تعامل و علاقه وجود دارد و شکل بارز و مسلم آن، الگوی سیاسی حزب الله در لبنان است که نفوذ ایران را در غرب آسیا تقویت کرده است. این نفوذ همواره مورد مخالفت و ناراحتی حکام آل سعود به عنوان رهبران کشور عربستان سعودی بوده است. آن ها در سالیان متمادی، به ویژه در سال های اخیر، از راه های مختلف و حتی با ایجاد بی

ثباتی و نابسامانی در لبنان، تلاش کرده اند که جنبش حزب الله لبنان را تخریب نمایند و در این مسیر حتی در مقاطعی با رژیم اسرائیل نیز تعامل برقرار کرده اند.

۲- فضای رقابتی غرب عراق و شرق سوریه

فضای جغرافیایی دیگری که در آن میان ایران و عربستان رقابت و درگیری وجود دارد، منطقه فی ما بین عراق و سوریه است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، روابط جمهوری اسلامی ایران با رهبران کشور سوریه رو به گرمی گذاشت و طولی نکشید که سوریه به متحد استراتژیک ایران تبدیل شد. از سوی دیگر، پس از سقوط صدام، رهبر جنایتکار عراق و با روی کار آمدن شیعیان در عراق، روابط ایران و عراق نیز دوستانه و در نتیجه، نفوذ ایران در کشورهای سوریه و عراق تقویت شد. این مسأله نیز مورد علاقه و پسند حکام آل سعود قرار نگرفت و در ادامه برخی جریانهای وابسته را وادار کرد برای مقابله با این تعامل منطقه ای، هر کاری را انجام دهند. از جمله این اقدامات کمک به مخالفان حکومت های سوریه و عراق بود که بتدریج باعث شکل گیری یک بحران جهانی تحت عنوان گروه تروریستی داعش شد. در این رابطه می توان به سخنان رئیس سابق سازمان اطلاعات انگلیس «MI6» اشاره کرد که به افشای گوشه ای از چگونگی شکل گیری گروه تروریستی داعش و نقش رژیم آل سعود و قطر در حمایت از آن پرداخته است. (بندر بن سلطان، رئیس سابق سازمان اطلاعات عربستان گفته است، «بلایی که نازی ها بر سر یهودیان آوردند، ما بر سر شیعیان و علوی ها خواهیم آورد»)

۳- فضای رقابتی شمال شرق عراق

شمال و به ویژه شمال شرق عراق از دیرباز محل سکونت کرد زبان ها به عنوان یکی از اقوام قدیمی ایرانی بوده است؛ اقوامی که هرچند در چهار کشور ایران، ترکیه، عراق و سوریه پراکنده هستند، لیکن با یکدیگر قرابت های فراوانی نظیر زبان، مذهب و فرهنگ دارند. در این میان پس از سرنگونی رژیم صدام و با توجه به حضور بخش عمده ای از کردها در خاک ایران، جمهوری اسلامی ایران تلاش کرد تا از این توانمندی برای گسترش مناسبات فرامرزی و دو طرفه استفاده کند. از سوی دیگر، رهبران آل سعود که در این زمینه نیز علاقه مند به نفوذ ایران در عراق و منطقه نبودند، تلاش های گسترده ای را آغاز کردند تا از طریق مرزهای مشترک ایران و عراق در فضای جغرافیایی مذکور با تحریک کردهای

عراق، امنیت ملی ایران را به مخاطره اندازند و به عبارت بهتر جبهه رقابتی و درگیری دیگری را علیه ایران باز کردند.

۴- فضای رقابتی شمال یمن

کشور یمن در جنوبی‌ترین بخش منطقه غرب آسیا، بنا به شرایط جغرافیایی و سخت‌گیری خلفای اسلامی با شیعیان از دیرباز محل رشد و سکونت شیعیان بوده است. جمعیت شیعیان این کشور در حال حاضر قریب به ۸ میلیون نفر است. فشارهای طولانی مدت رهبران یمن علیه شیعیان این کشور همواره موجب شکل‌گیری جنبش‌های اعتراضی میان شیعیان یمن بوده و معمولاً هم به سختی سرکوب شده‌اند. قیام سال ۲۰۱۱مردم یمن که منجر به سرنگونی علی عبدالله صالح گردید و عدم پذیرش منصورهادی حاکم وابسته به آل سعود و نیز حمایت‌های ایران از شیعیان یمن که بعضاً در شعارها و رفتار سیاسی این گروه از شهروندان یمنی دیده می‌شد، نگرانی رهبران آل سعود از تصاحب قدرت در این کشور توسط شیعیان و در نتیجه نفوذ ایران در جنوب عربستان و کاهش نفوذ آنها باعث شد تا این کشور در فروردین ۱۳۹۴ حملات سنگین خود را علیه شیعیان یمن آغاز کند. این اقدام عربستان هم به نوعی تداعی‌کننده یکی دیگر از فضاهاى جغرافیایی رقابت و درگیری میان ایران و عربستان در منطقه است.

۵- فضای رقابتی خلیج فارس و جزایر سه گانه ایرانی

در رابطه با این اصل حقوقی و تاریخی که جزایر سه گانه تنب بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی متعلق به ایران هستند، مطالب فراوانی منتشر شده است و سندهای فراوانی نیز وجود دارد، ولی عربستان سعودی همواره تلاش می‌کند تا از طریق متحد منطقه‌ای خود یعنی کشور امارات در این جبهه نیز به رقابت و تنش‌زایی با ایران پردازد. برای مثال این موضوع همواره تحت تأثیر مستقیم مقامات سیاسی عربستان در دستور کار اجلاس‌های شورای همکاری خلیج فارس قرار داشته و این شورا غالباً در پایان اجلاس‌های خود ادعای موهوم خود مبنی بر مالکیت امارات بر جزایر سه گانه ایرانی را تکرار می‌کند.

۶- فضای رقابتی غرب پاکستان

جنوب شرق ایران و غرب پاکستان محل سکونت یکی از اقوام کهن ایرانی یعنی قوم بلوچ است که به دلیل ترسیم عامدانه و تحمیلی مرز از سوی انگلیسی‌ها در دوران استعمار مرز میان ایران و پاکستان به گونه‌ای طراحی شده که این قوم ایرانی در دو سوی مرز به

دو بخش تقسیم شده است. هرچند این رویداد به رغم خسارت‌ها می‌تواند به عنوان فرصتی برای تعامل بیشتر و همگرایی دو بازیگر مهم منطقه یعنی ایران و پاکستان مورد استفاده قرار گیرد، لیکن رهبران آل سعود در این فضای جغرافیایی نیز همواره تلاش کرده‌اند با بهره‌گیری از دلارهای نفتی خود و پرداخت‌های هنگفت به دولت‌های پاکستانی زمینه‌های ایجاد چالش و ناامنی را برای ایران فراهم کنند.

علاوه بر موارد فوق‌الذکر، وجود پایگاه‌های نظامی متعدد آمریکا در منطقه که به عنوان مخالف جمهوری اسلامی ایران و متحد استراتژیک عربستان در منطقه نقش آفرینی می‌کند، در طول سال‌های اخیر همواره بر آتش این چالش‌ها و درگیری‌ها افزوده است.

ه- نگرش راهبردی ایران در تحولات ژئوپلیتیکی غرب آسیا:

نقش آفرینی‌ها و تأثیرات گسترده دگرگونی‌های اقلیمی و نیز کاهش جهانی بهای نفت در سال‌های اخیر، دو پدیده گذرا و کم‌اثر در فرآیند تحولات کشورهای نفت‌خیز خاورمیانه نیستند. در این بین کشور ایران با شرایط خاص اقلیمی و وابستگی شدید کشور به درآمدهای نفتی، به نظر می‌رسد که در بخش‌های تامین امنیت غذایی و جذب درآمدهای ارزی با مشکلات اساسی مواجه خواهد شد. زیرا دستکم یکصد سال است که برتری نسبی ایران بر این دو پایه قرار گرفته است. پایه‌هایی که آرام آرام از منظر راهبردی، سست و بی‌اعتبار شده‌اند. بنابراین رویکردهای استراتژیک ایران باید با تحول‌پذیری بهینه، به سوی دگرگونی‌های بنیادین گام بردارد. دگرگونی که ضمن تقویت بنیادهای داخلی اداره امور کشور، سبب حضور قدرتمند بین‌المللی کشور شود و بخصوص منجر به ارتباط گسترده با ساز و کارهای روابط منطقه‌ای ایران گردد.

با این شرایط و با توجه به موقعیت گذرگاهی و پتانسیل شبکه‌های ارتباطی کشور، تنها جایگزین برتر و اعتماد‌پذیر و کم‌دردسر، لزوم تأکید اسناد توسعه پایدار کشور بر محوریت طراحی و اجرای استراتژی نقش‌پذیری خدماتی ایران در مقیاس‌های بین‌المللی خواهد بود. ایران در این زمینه در کنار کشورهایمانند ترکیه، پاناما، مصر و آفریقای جنوبی از جمله ۱۰ کشور برتر جهان می‌باشند. لازمه تحقق استراتژی خدمات پایدار بین‌المللی، ضمن بستر سازی‌های گوناگون خدماتی و تسهیلات دریایی، زمینی و هوایی، بهره‌مندی کشور از شاخص‌های رسمی و جهانی امنیت ملی و منطقه‌ای است. لذا اجرای این قبیل طرح‌های کلان و نیز تحقق هرگونه فعالیت گسترده توسعه‌ای در ایران، عملاً با تعمیق میان

امنیت ملی و منطقه ای کشور میسر خواهد بود که این امر در طراحی و تدوین داکترین امنیت ملی و لزوم تلاش جمهوری اسلامی ایران بر تامین ثبات و امنیت در سطح منطقه غرب آسیا، باید بعنوان اولویتی اساسی مورد توجه قرار گیرد.

ویژگیهای ایران برای تبدیل شدن به یک هاب خدماتی بین المللی ناشی از شرایط زیر است: الف- حداقل تعداد ۱۵ کشور همسایه برای مبادلات بازرگانی با یکدیگر نیازمند گذر از فضای سرزمینی ایران می باشند؛ ب- برای ۴۳ کشور دیگر نیز مسیر ایران ارزان ترین مسیر و با صرفه ترین گذرگاه برای مبادلات بازرگانی خواهد بود؛ ج- با توجه به موارد فوق، موفقیت گذر گاهی ایران برای تبادلات با صرفه در بسیاری از اندر کنشهای دو سویه مناسب ترین است. به عنوان نمونه هند برای تبادلات بازرگانی با افغانستان، ترکمنستان، قزاقستان، قرقیزستان، ازبکستان، تاجیکستان، جمهوری آذربایجان، ارمنستان، عراق، حریم کردستان، یعنی ۱۰ کشور و منطقه فدرال می تواند از مسیر با صرفه ایران استفاده کنند، که با در نظر گرفتن مبادلات بازرگانی هر یک از این کشورها با هند شمار این تبادلات به چند برابر خواهد رسید.

لذا چنان چه ایران بتواند به چنین جایگاه منطقه ای دست یابد، مزایای آن برای ایرانیان شگفت آور خواهد بود از جمله: الف- در آمد ارزی مستقیم ناشی از چنین موقعیتی حداقل بین ۵ تا ۷ برابر فروش نفت خواهد بود؛ ب- شمار شغل های مستقیم و غیر مستقیم ناشی از کانونی شدن ایران در مبادلات منطقه ای و جهانی برای ایرانیان؛ برابر با بیش از تمام نیروهای شاغل کنونی در ایران خواهد بود؛ پ- تهدید از فضای نزدیک پیرامونی به سوی حداقل ها متمایل خواهد شد.

با این همه، بهره برداری راهبردی از این مزیت نسبی دستکم نیازمند مهیا سازی بسترهای اصلی زیر است: ۱- تلاش مستمر و موثر بر تنش زدایی میان ایران با اعضای شورای امنیت و همسایگان و در پیش گرفتن استراتژی صلح سازی؛ ۲- جلب و جذب کلان مقیاس سرمایه گذاری خارجی برای گسترش، آماده سازی و نوسازی زیر ساخت ها به ویژه بالا بردن گنجایش شبکه ریلی از ۲۰ میلیون تن کنونی به ۲۰۰ میلیون تن؛ ۳- تهیه طرح های راهبردی دراز مدت و سازماندهی مناسب برای تغییرات در مقیاس ملی و محلی و بویژه انجام مطالعات دقیق محیط زیستی که با این موضوع در ارتباط تنگاتنگ می باشند؛ ۴- بهره برداری موثر جمهوری اسلامی ایران از این موقعیت، نیازمند ایجاد تغییرات

راهبردی در رویکردهای سیاست خارجی خواهد بود. امنیت دراز مدت جمهوری اسلامی ایران، در گرو افزایش گنجایش بازرگانی ایران به حداقل ۸۰۰ تا ۱۰۰۰ میلیارد دلار است که بخش بزرگی از آن می بایست از مبادلات با همسایگان به دست آید. دستیابی به چنین چشم اندازی در واقع خشت زیر بنای تداوم بقا و امنیت ملی ایران خواهد بود.

لذا هرگونه گرایش مدیریتی که در کشور برای تحقق این مهم صورت گیرد، حداقل چهار پیامد شناخته شده زیر را در پی خواهد داشت: الف- کم‌رنگ شدن تدریجی دیدگاه های امنیتی منطقه ای؛ ب- مشارکت همگانی مردم در بازرگانی خارجی و افزایش تعاملات مردم - مردم در مقیاس منطقه ای؛ پ- کم‌رنگ شدن تنشهای ناشی از حساسیت های ایدئولوژیک و تفاوت های مذهبی به عنوان عوامل جدا سازنده ملت‌ها؛ ت- نزدیکی پایدار و بنیادین دولت و همکاری نهادینه کمتر برگشت پذیر میان آن ها. بااین حال، محدودیت میزان مبادلات کالا - کالا و عدم مشارکت موثر مردم در مبادلات میان ایران و همسایگان، اساس و رکن ناپایداری ها در مناسبات دیپلماتیک است. (کریمی پور، ۱۳۹۴، ۲۲۴-۲۲۰)

نتیجه گیری

بدون شک توازن و ساختار قدرت در منطقه غرب آسیا بنحوی است که هرگونه تغییر و تحول ساختاری در آن ضمن تاثیرات گسترده درون حوزه ای سبب لرزشهای ژئوپلیتیکی نوینی در سطوح مختلف بین المللی می گردد. در شرایط کنونی، این منطقه در دوره ای از گذار قرار گرفته است که به شدت با نگرشهای قومیت گرایانه همراه بوده و اگر قدرتها و کشورهای موثر منطقه نتوانند این دوران انتقالی و گذار را مدیریت کنند، قطعاً کشورهای ذینفع فرامنطقه ای با ایجاد تغییرات متناسب در استراتژی منطقه ای خود، این حوزه را براساس استراتژی بی نظمی و با بکارگیری مدل‌های قومی و مذهبی با هدف ایجاد تجزیه در کلیه بنیادهای ملی کشورهای منطقه، اداره خواهند کرد.

عرصه های تعاملات بین المللی همواره از فرصتها و چالشهای متعدد بالقوه و بالفعلی برخوردار است. با اولویت یافتن تعاملات ژئواکونومیک در فضاها و صحنه های رقابت بین المللی، برخی مناطق جغرافیایی اهمیت گذشته خود را از دست داده و برعکس مناطق دیگری از قبیل آسیای غربی از ارزش های بیشتری برخوردار شده اند و جالب توجه این

است که آسیای غربی با محوریت کشور ایران، نه تنها ارزش راهبردی خود را از دست نداده، بلکه از اهمیت به مراتب بیشتری برخوردار گردیده است. درچنین شرایطی روابط فعال و راهبردی ایران در سطوح منطقه ای - بین المللی و بویژه با رویکرد توسعه در همگراییها و گره زدن نیازها و توانمندیهای متقابل سیاسی - امنیتی با کشورهای هدف، ضمن تثبیت نقش های مثبت و اثرگذار ایران در سطح منطقه، موجب ارتقاء اهمیت استراتژیک این کشور در صحنه های نظام بین الملل می گردد. کشور ایران بلحاظ تعدد همسایگان (تعداد ۱۵ کشور و ۹ دولت خودمختار) عملا در حوزه های روابط بین المللی از یک موقعیت لولایی بهره مند است. بگونه ایکه بطور همزمان باید از آمادگی لازم برای انجام تعاملات گوناگون در تعداد ۲۴ دروازه برخوردار باشد. مطلوبیت این موقعیت برای توسعه و گسترش ابعاد متعدد امنیت و منافع ملی - بین المللی ایران به نحوی است که اگر در استراتژی بلند مدت توسعه ملی این کشور بر موضوع نقش آفرینی پایدار خدمات بین المللی و گسترش بخشهای ترانزیتی و شبکه راههای ارتباط خارجی بعنوان یک محور اساسی، تمرکز عملی صورت گیرد، ایران می تواند تامین کننده نیازهای تجاری و روابط بازرگانی برای حدود یک و نیم میلیارد نفر از جمعیت ساکن در قاره های اروپا، آسیا، شمال آفریقا و شرق دور باشد.

کشایش در این مسأله نیازمند تحقق درکی متقابل از شرایط زمان و مکان و نیز دستیابی به سطوحی مطلوب از تعاملات پایدار ژئوپلیتیکی بخصوص با همسایگان و قطبهای قدرت بین المللی است. با این حال ج.ا.ایران در تهیه و تنظیم داکترین امنیت ملی و استراتژی کلان توسعه پایدار خود تا آنجا که به محیط استراتژیک بیرونی و بخصوص پیرامون مربوط میشود با شرایط و واقعیهایی مواجه است که در تعاملات سیاسی و روابط ژئواکونومیک و ژئوپلیتیکی باید مورد بررسی و توجه ویژه قرار گیرند. از این رو توجه لازم در بکارگیری ابزارهای بهینه برای استفاده موثر از فرصتها و فضای جاری جهانی و تاثیرات آن بر توسعه روابط منطقه ای در استراتژی سیاست و روابط خارجی ایران، ضمن کمک به پایداری و برخورداری این کشور از تعادل استراتژیکی با قدرت های منطقه ای و بین المللی، کشایشگر فضایی مطلوب در جهت گیری های سیاست خارجی کشور و نیز حرکت فراگیر به سمت گسترش همگراییهای منطقه ای خواهد بود.

با این همه؛ در جمع‌بندی و پاسخ نهایی به سؤال و فرضیه مطرح شده در این پژوهش، می‌توان گفت؛ که ایران و عربستان هر دو داعیه رهبری جهان اسلام را دارند که این امر سبب ایجاد فضایی رقابتی برای دو کشور گردیده و سبب تخریب گسترده پتانسیل‌های همگرایی در ابعاد گوناگون منطقه ای شده است. لذا تا مادامی که این دو کشور به همراهی و وحدت مناسب نرسند، ایران از حداقل پتانسیل‌های لازم برای تقویت همگرایی‌های سیاسی، امنیتی و اقتصادی در سطح منطقه غرب آسیا برخوردار خواهد بود. این در حالی است که در کنار ایران و عربستان، کشورهایمانند ترکیه نیز تلاش می‌کنند در جایگاه رهبری جهان اسلام قرار بگیرند. این رقابت سیاسی و مذهبی باعث می‌شود که هر دو کشور فوق‌الذکر کاری کنند که رقیب نتواند تبدیل به هژمون برتر منطقه شود. البته هرچند که جمهوری اسلامی ایران بعد از توافقات برجرام رابطه خود را با کشورهای جهان و به ویژه در اروپایی بطور نسبی بهبود بخشیده است و زمینه را برای ایجاد روابط اقتصادی و اجتماعی موثر با این کشورها فراهم کرده است، لیکن از آنجایی که خصوصیات ژئوپلیتیک ایران بیانگر لزوم نقش آفرینی و ارتباط تنگاتنگ بویژه با همسایگان می‌باشد، لذا هرگونه فعالیت کلان و پایدار توسعه ای در این کشور نیز مستلزم برخورداری از شاخص‌های بین‌المللی امنیت پایدار ملی و منطقه ای و نیز لزوم تلاش ایران بر ایجاد صلح و ثبات در سطح منطقه غرب آسیا می‌باشد.

از نگاه عربستان گسترش روابط بین‌المللی ایران یعنی بهبود وضعیت اقتصادی ایران بعد از سال‌ها تحریم که این کشور را می‌تواند به قدرت برتر منطقه تبدیل نماید. امروز ایران برای تاثیرگذاری در منطقه از قدرت نرم خود استفاده می‌کند و برخلاف آن عربستان سعودی برای تاثیرگذاری در منطقه از قدرت سخت خود استفاده می‌کند که نمونه بارز آن حمله نظامی به یمن است. ایران امروز به واسطه قدرت دیپلماسی توانسته است جایگاه خود را در منطقه و جهان افزایش دهد و این روند باید در کنار تقویت بنیادهای نظامی و اقتصادی ادامه پیدا کند.

با این شرایط، بطور کلی ایران برای دستیابی به منافع مطلوب ملی و منطقه ای، بهتر است که محورهای ذیل را مورد توجه جدی قراردهد:

تاکید جدی بر اجرایی استراتژی عدالت فضایی و توسعه توازن منطقه ای در سطح کشور با اولویت مناطق محروم مرزی و بیابانهای مرکزی که در نتیجه آن موثرترین بسترهای دفاع غیرعامل در مقابله با تهدیدات ملی فراهم خواهد شد. اولویت ویژه به باروری قابلیت‌ها در همکاری‌های منطقه‌ای و تلاش بر مهندسی یک نظام منطقه‌ای بر اساس تهدیدات و امنیت مشترک و نیز تعمیق منافع اقتصادی مشترک؛ تسریع روندهای مشارکت‌گرا در امور متعدد

جامعه و تلاش برای ایجاد رشد و توسعه‌ای متوازن و پایدار با احیای مزیت‌های نسبی در سطح کشور و تحقق عدالت فضایی در ابعاد گوناگون اداره امور کشور؛ فرصت‌سازی از شکاف‌های موجود بین‌المللی بخصوص در غرب با هدف دستیابی به حاشیه امنیت مناسب؛ ممانعت از تبدیل اهداف سیاست خارجی کشورها و قدرت‌های مخالف به اهداف حقوقی - بین‌المللی علیه ایران؛ توجه ویژه به اعتمادسازی و تعمیق متقابل روابط دیپلماتیک بخصوص در جغرافیای سیاسی جهان اسلام با هدف حرکت تدریجی این کشورها بسوی ایجاد یک سیاست خارجی همگرا و مبتنی بر اصول کلان اسلامی؛

منابع

- استیگلیتز، جوزف، ۱۳۹۳، نگاهی نو به جهانی شدن، ترجمه شده نشر امیر کبیر، تهران
- اسلامی ندوشن، محمدعلی، (۱۳۷۶)، ایران و تنهائیش، نشر شرکت سهامی انتشار.
- الهی، همایون، (۱۳۸۴)، خلیج فارس و مسائل آن، تهران، نشر قومس.
- براون، کارل، (۱۳۷۶)، الگوهایی که به مرور زمان شکل گرفته‌اند، ترجمه روشندل، انتشارات وزارت امور خارجه.
- بروس، راست و هاروی، استار، (۱۳۸۱)، سیاست جهانی، ترجمه امیدی، نشر دفتر مطالعات سیاسی بین‌المللی.
- برژینسکی، زی بیگنیو، ۱۳۸۱، خارج از کنترل، نشر اطلاعات،
- کندی، پل، ۱۳۷۰، ظهور و سقوط قدرتهای بزرگ، ترجمه عبدالرضا غفرانی، انتشارات اطلاعات، تهران،
- ماندل، رابرت، ۱۳۸۵، مفهوم جدید امنیت، نشر موسسه مطالعات راهبردی،
- رشنو، نبی الله، ۱۳۹۲، ژئوپلیتیک و دیپلماسی اقتصادی ایران، نشر مرکز ملی جهانی شدن ریاست جمهوری،
- رشنو، نبی الله، ۱۳۹۲، نگاهی به جایگاه ژئوپلیتیک ایران، نشر مرکز ملی جهانی شدن ریاست جمهوری
- رشنو، نبی الله، ۱۳۹۴، ژئوپلیتیک و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، نشر دانش گستر
- حافظ نیا، محمد رضا، (۱۳۸۵)، اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، چاپ اول، مشهد، انتشارات پاپلی (پژوهشکده امیر کبیر).
- حافظ نیا، محمدرضا، (۱۳۷۸)، خلیج فارس و نقش استراتژیک تنگه هرمز، چاپ دوم، تهران، انتشارات سمت.

- کالینز، جان ام، (۱۳۸۳)، جغرافیای نظامی، ترجمه عبدالمجید حیدری و دیگران، تهران، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، دانشکده فرماندهی و ستاد، دوره عالی جنگ.
- کمپ، جفری (۱۳۸۳)، جغرافیای استراتژیک خاورمیانه، جلد اول و دوم، ترجمه سید مهدی حسینی متین، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- کریمی پور، یدالله، (۱۳۹۴)، نظامهای ژئوپلیتیک، نشر انتخاب
- الوین تافلر و دیگران، ۱۳۸۴، به سوی تمدن جدید، ترجمه محمدرضا جعفری، تهران: نشر سیمرخ چاپ سوم.
- گیدنز، آنتونی، ۱۳۸۰، جامعه شناسی جهانی شدن، ترجمه منوچهر صبوری، نشر نی،
- کاستلز، مانوئل، ۱۳۸۰، عصر اطلاعات (سه جلد)، ترجمه علیقلیان، تهران: انتشارات طرح نو.
- باری اکسفورد، ۱۳۸۶، نظام جهانی، سیاست و فرهنگ، ترجمه حمیرا مشیرزاده، دفتر مطالعات سیاسی و بینالمللی،
- کیت، نش، ۱۳۸۰، جامعه شناسی معاصر، جهانی شدن، سیاست، قدرت، ترجمه محمدتقی دلفروز، انتشارات کویر، چ اول، تهران.
- Bregensky.(1992) .geostratgy for Eurasia. Rand study.com
- buzan bary ،(1994) .the global security ،in the century ، p10.wikipedia
- -Demko, Gorge. J. and W. B. Wood,Re.(1994). Ordering The World, Colotado, West View Press.
- charles Krauthammer. (winter2002/2003). the unipolar moment revisited. national interest. washington d . c: the Nixon center..
- Federico bordonaro.(2005). great and medium powers in the age of unipolarity. chicago llinois. the power and interest news report. May

- fred halliday .(2005). the middle east in international politics :power. politics and ideology . cambridge uniwersity prees .
- Henry kisinger . (2006). nashnal interest. summer
- Iranian political bulletin ،(15 ،ague 2006.(
- kenneth waltz . (1976).theories of internastional politics. new york:random house .
- News. 30 octobre 2006 <http://www.farin.efair> .
- Newsweek.com ،(12 ،8 ،2006.(
- peter taylor. political geography. chapter 2. second edition .
- phillip sanders. (1999). foreign policy and international transitions:the case for foreign policy paradiyms. washington d. c:international studies association ..
- Rainhart ،tanya. (2005). newmiddeleast ،Israel.
- raymond aron.(1969).the evolution of modern strategic thought. problems of modern strategy. adelphi paper . 54. feb.
- halliday. .fred.(2005).the middleeast in international politics.
- -Taylor, Peter & Colin Flint; (2000).Political Geography, Fourth Edition, New York, Printice Hall .,
- UNCTAD, (1996); World Investment Report. p195.